

در مدت گذشت ادوار طولانی خانواده های ایرانی که متوطن در هندوستان شده اند ، پیوسته خدمات زیادی به این کشور نموده اند . در نخستین قسمت این سلسله مقالات به شرح حال و خدمات جناب آقای سر میرزا اسمعیل مبادرت مینمائیم .



ایرانیان
نام اور متوطن
در
کشور هند

نگارش : س. م. سجادی

جناب سر میرزا اسمعیل امین الملک

ما یکی از طرق خدمت بایران عزیز را در این دیده ایم که فرزندان لایق آن کشور باستانی را که جریان حوادث به هندوستانشان کشانده . و یا خود بطیب خاطر بدین سرزمین مسافرت نموده و قابلیت ذاتی آنان مورد استفاده بزرگان هنر پرور این کشور واقع شده بیش از پیش بهم میهنان گرامی خویش بشناسانیم . از اینرو در نظر گرفته ایم که گاه و بیگاه صفحاتی از « آهنگ » را اختصاص آهنگ

باین نواداده و سطوری چند در اطراف آن بنگاریم.

مرد نامی و گوهر گرامی را که در این شماره باوی آشنا میشوید جناب آقای امین الملک میرزا محمد اسماعیل میباشد که سالهاست از طرف دولت هند بلقب بزرگ و مهم «Sir» مفتخر آمده. نه فقط در این کشور بلکه در لندن و قسمت اعظم کشورهای مشترک المنافع بریتانیا شهرتی نیک و بسزا دارند.

این وجود شریف فرزند آقای محمد قاسم شیرازی معروف به آقا جان و نوه آقای علی عسکر میباشد که سوابق زندگانی آن اجالا بدین شرح است :-

آقا علی عسکر فرزند آقا عبدالله وجد جناب سر میرزا محمد اسماعیل سال ۱۸۱۶ در شیراز قدم برصه حیات نهاده و در آغاز جوانی بمنظور تجارت عازم هندوستان گردید نامبرده با آقا خان محلاتی جد حضرت آقا خان کنونی مناسبات صحبانه ای داشت و در بدو ورود مهمان وی بود. مراتب دوستی و یگانگی این دو مرد نامی ایران بعدی بود که آقا خان گاهگاهی راجع بوی اشعار می سرود. از حسن اتفاق هنگام نوشتن این دستور بوسیله یکی از دوستان محترم این دو بیت بدست ما آمد.

علی عسکر ای یار دیرینه ام

که مهر تو نقش است در سینه ام

بفران خود گر بسی غره

سهیلم چو میش است و او بره

غزان نام اسب آقا علی عسکر و سهیل نام اسب

آهنک

آقا خان بود و هر دو اسبهای اصیلی بودند که در مسابقه های اسب دوانی گوی سبقت می ربوده اند.

آقا علی عسکر بعد از مدتی اقامت در بمبئی سال ۱۸۳۵ به بنگلور که از نقاط خوش آب و هوای هند است رفت و در انجا متوطن گردید.

بنگلور بعد از سقوط شهر سریر نگاپاتم نزدیک بنگلور در سال ۱۷۹۹ مرکز هنگ ارتش انگلیس قرار گرفته بود و چون در آندوره اسب بهترین

وسایط نقلیه ارتش بود عده زیادی از بازرگانان عرب و ایران از کشورهای همجوار اسبهای اصیل

وارد مینمودند و بقیتهای عالی به ارتش می فروختند. بین این آقایان مشخصتر از همه

آقا علی عسکر بود که همیشه بالغ بر هفتصد اسب در ذخیره خود داشت. هر وقت انجمن انتخاب اسب

برای ارتش تشکیل میگردد اسبهای وی ردیف اول انتخاب را حائز بودند. در واقع اصطبلهای برداشته

و با شکوهش تفرجگاه سران و افسران ارتش انگلیس بود که هر روز طرف عصر در انجا مجتمع می شدند.

آقا علی عسکر انگلیسی نمیدانست و بزبان هندی نیز آنگونه آشنا نبود ولی حسن معاشرت. نیکی

روش. مهمان نوازی و درستکاری او در اندک مدتی جلب علاقه و احترام همگان را نموده و بین اعیان

دلت انگلیس و امارت میسور موقعیت مهمی بدست آورد. سر جان هارک کین وزیر مقیم امارت

میسور، که مجسمه اش در پارکیکه بنام خود وی موسوم است برپا است، از دوستان صمیمی او گردید.

بتقاضای سران اشکر چندین دستگاه عمارات باشکوه طبق سلیقه و نیاز اروپائیان بنا کرد و

بران ارتش اجازه داد. ضمنا شروع بجواهر فروشی نیز نمود و دبری نگذشت که در ردیف

بزرگترین ثروتمندان و سلاکین بنگلور قرار گرفت و در عمر ۹۵ سالگی جهانرا بدرود گفت.

بترغیب شریکش آقا میرزا هاشم سال ۱۸۵۱
با دختر حاجی علیرضای شوشتری مقیم بمبئی
عمرسی کرد و سال ۱۸۵۳ خداوند آقا محمد قاسم
معروف باقا جان (پدر جناب سر میرزا اسماعیل)
را باو عطا فرمود.

روابط صمیمانه این خاندان با زمامداران
دولت انگلیس و امارت میسور باعث شد که آقا جان
پدر جناب سر میرزا اسماعیل بسمت آجودانی
مهاراجه منصوب گردید. نامبرده کاملاً طرف
توجه و علاقه مهاراجه بود و در تمام دوره خدمت
وظایف محوله را با کمال موفقیت انجام داد.

مقام و احترام آقای محمد قاسم معروف به آقا جان
در خدمت مهاراجه و سپس بانوی معظم الیه مہارانی
امیر و فرمانفرمای امارت میسور در آنوقت سبب
شد که فرزند وی میرزا محمد اسمعیل در دربار
بارآمده، آموزش و پرورش لازمه چنین نزدیکی
و بستگی مزید بر شرافت خانوادگی وی گردد.
ایشان در ۲۳ نوامبر ۱۸۸۳ میلادی (۱۲۶۳
خورشیدی) متولد و مادرشان یکی از نجیب زادگان
ابران زیننده خانم دختر آقای میرزا محمد شیرازی
در بمبئی بود.

پس از پایان آموزش مقدماتی تحصیلات عالی
خود را در دبیرستان بنگلور، آموزشگاه سلطنتی
میسور و دانشکده مرکزی بنگلور ادامه داده و در
سال ۱۹۰۵ باخذ گواهی نامه نائل گردید. مدتی
نیز با اتفاق سری کرشنا راجا وادبار بهادر ولیعهد
مهاراجای وقت تحت تعلیمات سراسوارت فرزر
ک. سی. اس. آی. Sir Stuart Fraser K.C.S.I
قرار گرفت. در ۱۹۰۸ بمعاونت وزارت منصوب.
در ۱۹۱۴ بوزارت حضور (نظیر وزارت دربار
ابران) ارتقاء یافته در ۱۹۲۰ بلقب امین الملکی
و وزارت مخصوص که واسطه امور عالیه بین مهاراجه

و دربار نیابت سلطنت کشور هند میباشد مفتخر آمده
و در ۱۹۲۶ مقام شامخ ریاست وزراء بمعظم له
تفویض و تا ۱۹۴۱ نخست وزیر میسور بوده اند.
ضمناً ناگفته نماند که ایشان مراحل خدمات
رسمی دولتی را هم باریاست اداره شهربانی شروع
و در هر قسمت با اخذ یک سلسله آزمایش و بجا
گذاشتن یک سلسله یادگارهای ذیقیمت اداری
و اجتماعی بقسمت دیگر ارتقاء یافته اند.

در نوامبر ۱۹۳۰ برای کنفرانس میز گرد در
لندن انتخاب و نمایندگی امارت هند جنوبی
میسور، تراوانکور، کوچین و بودوکوته را بر عهده
داشتند. برای مرتبه دوم بار دیگر بنمایندهگی
امارات میسور و جودهپور در کنفرانس میز گرد
عازم لندن گردیده و در آنجا عضو کمیته مشاوره
مور هند در کنفرانس نامبرده شدند. مرتبه سوم
این بنمایندهگی در کنفرانس میز گرد انتخاب و در
کمیته پارلمانی اصلاحات هندوستان عضویت یافتند.
در ۱۹۳۷ باریاست هیئت اعزامی کنفرانس بهداشت
در جاره انتخاب شدند.

القاب مهم و محترم دولت بریتانیا نیز بشرح زیر
بایشان اعطاء شده است :-

در ۱۹۲۳ O.B.E. - در ۱۹۲۴ C.I.E.
در ۱۹۳۰ K.T. و در ۱۹۳۶ K.C.I.E.
بطوریکه در بالا بدان اشاره شد نمو و تربیت
جناب آقای سر میرزا اسمعیل توأم با نمو و تربیت
ولیعهد وقت بوده است. نامبرده بعد از پدر
بفرمانفرمایی امارت مهم میسور مستقر و یک دوره
۳۸ ساله که تا هنوز وجود و آثارش را برکت
میسور مینامند، بران خطه فرمانروائی داشت و
یکی از آثار بارز و جودیشرا عمکلاس بودن و سپس
مهمکاری نمودن با آقای میرزا محمد اسمعیل شمرده اند
آهنگ



عکس پدر (نشسته اول از چپ) وجد و اعمام جناب سر میرزا اسمعیل که در خلال توقف در هند گرفته شده

و این همجواری و یکنواختی دو جانبه سبب شد که عصر همکاری این دو وجود به «عصر طلائی» میسور مشهور گردد.

دو خدمت جناب سر میرزا اسمعیل در ادارات و هم در هیئت درات میسور ۳۶ سال طول کشید که پانزده سال آنرا در مقام نخست وزیری رفته سراسر امور این امارت مشهور مهم را در کف کفایت خویش داشتند. در سوم اوت ۱۹۴۱ والا حضرت سری کرشنا راجا وادیار بهسادر فرمانفرمای میسور در گذشت و جناب آقای میرزا اسمعیل وجود خویش را در برابر وظائف بعد اعلی انجام شده یافته بنکر استراحت موقت از صدارت میسور کناره گرفتند. آغوش واپادی گرنهسا از

در اینجا بيمورد نیست متذکر شویم اولین جاه که ایشان در ماه مه ۱۹۲۶ (خرداد ۱۳۰۵) در آغاز قبول صدارت میسور ایراد فرمودند این بود: «من این خدمت مرجوعه را نه بصورت

مقام بلکه بصورت وظیفه بزرگ ملی و اجتماعی خویش مینگرم .

در اطراف آثار و زحمات ایشان در میسور کتابها نوشته شده و بیان آنچه که موافق نبوغ و نیروی ابتکار و موهون جدیت و زحمت بی پایان ایشان میباشد از گنجایش این مقاله بیرون است . راجع به مأموریت ایشان در لندن نیز رجال برجسته ، که خود وارد در معرکه حاضر و ناظر جریان امور بوده اند نگارشات مبسوطی در ارزش این دخالت تسلیم تاریخ نموده اند که هر قسمتش قابل مطالعه و توجه است . در اطراف صادرات و دخالت ایشان در چیچور نیز سطور بیشماری از تقدیر نگاشته شده و ما نیز در اینجا برای اینکه فکر خواننده تا حدی بشعاع قدرت وجودی و آثار فکری معظم له

متوجه شود خلاصه از خدماتشان را مینگاریم .
بنگاه صنایع و خزائن زیرزمینی و زیبایی های قرون متبادی را که از دیده توجه و اعتنا دور مانده بود آنگونه بروز و ظهور داد که از هر سو (داخل و خارج) برای دیدن آن می شناختند .
بین میسور و کشورهای باختر ایجاد روابط بازرگانی نمود و میسور تنها امارتی است در سرتاسر هند که نماینده بازرگانش به ماوراء کشور گسیل گردیده .
میسور در ۱۹۲۶ یعنی در آغاز صادرات ایشان دارای ۱۱۸ بنگاه با سرمایه ۱۶۷ لک (هر لک یکصد هزار روپیه) بوده و در ۱۹۴۱ - ۱۹۴۰ شماره آن به ۳۰۷ و سرمایه به ۳۳۶ لک افزایش یافت .

برای ایجاد موازنه کامل بین کشاورزی و صنعت بمنظور بالا بردن سطح زندگی مردم میسور و



قصر مهاراجای امارت میسور ۳۴ یکی از مترقیترین امارات هند میباشد



شهرستانهای تابعه اش
سیاست بینظیری بکار
برده شده است .
شماره کارگران
کارخانجات قبل از
دخالت ایشان ده هزار
و بعدا به بیش از چهل
هزار بالغ گردید .
بالاخره دامنه
فعالیت را انگونه کشانده
که میسوری پیکر خویش
را با صابون میسور شسته
با حوله میسور خشک

نمایی از سراسر شهرستان میسور .

ایرانی رسید و بر مظهر تمام نمای آن
(آقای امین الملک) آفرین گفت ؟!

آری - آنانکه باغات « برینداوان » را دیده و
در گوشه و کنار آن لمیده اند قلب خیامش خوانده
و به خوابگاه پری و هامن فرشتگانش تشبیه نموده و
آنها یکی از خونگنل ترین مناظر گیتی شمرده اند .
حتی راه آهن از فعالیت این مرد محترم بی نصیب
نمانده و شصت میل خط تازه از شیموگا به تالاگویا
کشیده شد . در ۳۶-۱۹۳۵ سرمایه راه آهن شرکت
حکومت میسور و کمپانی مربوطه ۴۹۴ لک بود در
۴۱-۱۹۴۰ به ۶۸۳ لک بالغ گردید .

استفاده از نور برق قبل از صدارت ایشان
اختصاص بطبقات و نقاط معینی داشت . ایشان
این سد عجیب اشرافیت را شکسته و از ۹
شهرستان ، ۳۹ (از ۷۳) قصبات مرکزی و
۱۶۷ قریه و دیه تاریک پرده بر گرفته دل و
دیده همگانرا روشن ساخت و هم در عین حال بر
۲۰۰ لک در آمد دولت از این مجرا ۳۸۴

نموده و با ابریشم میسور پوشانید . با اسب هواود و
پرورش یافته میسور از کیفیت سواری بهره مند
گردید ، با غذای فراوان میسور لذت برد ، از قهوه
میسور نوشید ، با شکر میسور کام خویش را شیرین
ساخت ، با سیمان والوار و چدن میسور خانه و
آسایشگاه خود را محکم و استوار نموده و آنگاه با میل
و انانیه فرآورده و ساخت میسور انرا زینت بخشود
و ایشبه موفقیته را روی کاغذیکه محصول کارخانه
میسور بود بدوستان خارجییش بشارت داد .

ماشین و دستگاه شهر داری میسور را آنگونه
بکار انداخت که هر تازه واردی را بشکست اندر گرت
ریزش آب ، درخشندگی اشعه الوان الکتریک ،
عطر روح بخش گلهای رنگارنگ گلستان « برینداوان »
در هم آهنگی برکت درختان سبز با ورزش
ملایم نسیم در پرتو انوار نقره فم ماه گوشه ای از
گوشه های دنج بهشت را در دیده مجسم و آنهمه
زیبائیهای عصر مغول را که دره کشمیرش بداهت
گرفته از یاد میبرد ، باید دید تا بحقیقت ذوق

آهنگ

لک علاوه نمود. نور معابر و خیابانها را از ۵۶۸۰ به ۱۹۰۸۱۰ رسانید.

پیش از (۵۶۰) تلمبه آبیاری با نیروی برق ایجاد نمود.

میسور پیش از زمامداری ایشان برای هر ۱۴۵ میل مربع با ۲۹۰۶۰۰ نفر جمعیت یک بیمارستان داشت و برای کلیه بیمارستانهای سراسر امارت کمتر از ده لک اعتبار وجود داشت، آنرا به ۳۳ لک رسانده و در هر ۸۳ میل مربع با ۲۰۰۳۴۵ نفر جمعیت یک بیمارستان آماده کرد.

رقم بودجه فرهنگ را از ۶۰ لک به ۷۴ لک افزایش داد و شماره مدارس متوسطه را پنجاه در صد علاوه نمود. مدارس عالییه را ۶۰ درصد علاوه کرد. دانشگاه میسور را اکنون حقیقی دانش ساخت و تقریباً ۷ لک و نیم رویه بودجه آنرا به ۱۳ لک بالا برد. یک نقشه عملیات نظامی بر برنامه دانشگاه افزوده و ۱۸۰۰۰۰ رویه برای تعلیمات نظامی دانشجویان در سال ۴۱-۱۹۴۰ اختصاص داد و خلاصه در سراسر شئون اداری و اجتماعی نکته و نقطه‌ای باقی نماند که مورد توجه و مراقبت دقیق و فکر عمیق این مدیر شهیر قرار نگرفته باشد. و اما در جیپور - مسئولیت بزرگی را که ایشان در امارت جیپور بر عهده گرفته اند از یک نظر مهمتر و مشکلتر از امور میسور میباشد چه در آنجا بالا بردن و تکمیل بنا و سازمانی بود که یک قسمت از آن بی ریزی شده و البته نیاز بفکر توانا و ذوق مدبر و مهندس عالی‌مقامی داشت تا

به رموز سیاست و تدابیر ملکی و دردهای اجتماعی همه واقف و با بذل مساعی لازمه بنا را پیمان رسانده و چنان شالوده ابرا بصورت کاخ با عظمتی در آورد ولی در جیپور هر قسمت آغاز کار است و از اینرو است که لدی الوردو جامعه را مخاطب ساخته و فرمودند:-

با اندوخته از آزمایش در اداره امور یک اعارت، آزمایش بدست آمده در زیر نظر یکی از نجیبترین ارواح عصر حاضر شادروان مهاراجه میسور و هم با قسمتی از تجارب حاصله در کارهای وسیعتر هندوستان بصورت عضو کشورهای مشترک المنافع بریثانیا اکنون برآتم که یک چنین نتیجه و اندوخته ابرا در حدود توانائی خویش در راه خدمت به مهاراجه شما و اعارت شما صرف نمایم... احساس میکنم که دست تقدیر مرا درست و بجای بدینجا آورده اکنون که روزگار برای همکاری با ما رخ موافق نشان داده ما هم از اینرد یکتا برای چنین روزی که آغاز کار است برکت میطلبیم.

نگارنده خود در دو هفته قبل به جیپور رفته و آن مظهر صنعت و زیبائیرا از نزدیک دیده‌ام. الحق استعداد آنرا دارد که در پرتو مراقبت و مساعی جاریه بزودی «عروس کشور هند» ناهیده شود و بدیهی است که توصیف یک چنین طنزازی نیساز بسطوری جداگانه دارد که انشاء الله در شماره آتیه تقدیم خواهد شد.

